



اهداف این طرح هاست. اولویت بندی مخاطبان، مسائل و مناطق (از منظر جغرافیایی) ضرورت مهم دیگری است که در امر ظرفیت سازی باید مد نظر داشت. تکیه بر مخاطبان اثر گذار و اثر پذیر، استفاده از شبکه‌هایی نظیر آموزش و پرورش (مشابه آنچه در طرح نجات آب (داناب) مطرح نظر بوده است)، روحانیون و نیز رسانه‌های محلی و اهم و مهم نمودن مسائل فراوانی که معمولا در عرصه آب یک منطقه با آن مواجهیم، یاریگر برنامه‌ریزان و مجریان این حوزه است. در نهایت استفاده از فرهنگ غنی نیاکان به جای استفاده صرف از روش‌ها و مثال‌های غیر بومی، برای بسط فرهنگ و نگرش جدید به آب راهگشاست.

ایجاد اعتماد در جامعه

در چارچوب‌هایی نظیر بازاریابی اجتماعی که فرایندهای تخصصی برای استقرار یک فرهنگ یا رویکرد در بدنه جامعه تشریح می‌شود، رفع موانع ذهنی یا فیزیکی در راستای آن فرهنگ یا رویکرد در میان مخاطبان،

گامی اساسی بر شمرده می‌شود. اگر مخاطب، به هر دلیل درست یا نادرست، احساس همدلی نداشته باشد، فرایند آموزش و ظرفیت سازی، دشوار و ناکارامی‌شود. در رویکردی صحیح به مشارکت طلبی از جامعه برای حل بحران آب، ایجاد پایه‌ای از اعتماد و رفع ذهنیت‌های ناصحیح، ضروری است.

همبستگی مردم با حاکمیت

ظرفیت سازی ابزاری برای پوشاندن ضعف‌های نظام مدیریت آب نیست. اگر ذهنیت مخاطب آموزش‌ها، درست یا نادرست این باشد که مدیریت آب، در اقدامات خود کوتاهی کرده و حالا از او می‌خواهند تا با صرفه‌جویی، این ضعف او را پوشش دهد، قطعاً، مشارکت مورد

انتظار در او شکل نمی‌گیرد. این سوال را بارها شنیده‌ایم که در شرایطی که شبکه توزیع آب شرب، ۳۰٪ تلفات دارد، چرا از ما توقع صرفه جویی می‌رود؟ پاسخ نگرفتن این دست سوالات، سدی مهم در راه مدیریت مصرف از سوی جامعه است. بدنه جامعه از یک مدیر، پیش و بیش از ارائه آمار و ارقام و تشریح وضعیت و تاکید مکرر و سالانه بر بحرانی بودن شرایط و لغزاندن توپ تقصیر به زمین سایرین، قبول مسئولیت و پاسخگو بودن را خواهان است. ظرفیت سازی و آموزش، آن‌گاه به سرانجام خود می‌رسد که در بستری از کارایی و اثر بخشی تعریف و دنبال شود. چندی قبل، یکی از

بدنه جامعه از یک مدیر، پیش و بیش از ارائه آمار و ارقام و تشریح وضعیت و تاکید مکرر و سالانه بر بحرانی بودن شرایط، قبول مسئولیت و پاسخگو بودن را خواهان است

رسانه‌ها گزارشی را منتشر کرده بود که در آن به رتبه ۱۳۲ ایران در میان سایر کشورها از منظر مدیریت منابع آب اشاره داشت. این رتبه را تنها به مدیران و کارشناسان در یک حوزه نمی‌توان نسبت داد چرا که آب مقوله‌ای فرابخشی است و بخش‌های دولتی و خصوصی متعددی در آن درگیرند اما از این آمار

می‌توان استنباط کرد که برآیند نظام مدیریت آب در کشور، علیرغم ظرفیت فنی، انسانی و بودجه‌ای بسیار سنگین آن، بسیار ضعیف است. در شرایطی که هر بخش، مشکل را به سان تویی به بخش دیگر پاس می‌دهد و دیگران را مقصر و خود را امیرا می‌داند، طبیعی است که توصیه‌ها، آموزش‌ها و حتی تهدید به قطع آب، نتیجه مورد انتظار را ایجاد نکند. تصور شکل گرفته در ذهن بهره‌بردار در این شرایط آن است که منافع آموزش دهنده و توصیه کننده با منافع او همراستا نیست و به طبع آن، همدلی و مشارکت کافی را نخواهد داشت. در نشست با نمایندگان بهره‌برداران حوزه یکی از تالاب‌های بزرگ کشور که به شدت دچار معضل است و رو به خشک شدن می‌رود، یکی از آنها پرسید: «آیا اگر حقوق

ماهانه شمای مدیر منوط به بازگرداندن تعادل به این تالاب بود، باز هم با همین کلیات و تاکیدات، ساعات اداری را می‌گذرانیدی؟» و پاسخ داده شد: «اگر حقوق ماهانه مدیران را منوط به نتیجه بخشی کنند، بخش اعظم آنها بلافاصله استعفا می‌دهند اما آنهایی که بمانند، وضعیت را به سامان می‌رسانند.» مردم آن زمان، یاریگر پر شور مدیران خواهند بود که ببینند آنها واقعا مسئول حوزه خود هستند و به آنها پاسخ گویند و صرفا تاکید و توصیه و ارائه آمار ندارند. نمونه‌هایی از اتحاد و هم بستگی مردم در دشت‌هایی از همین استان خراسان رضوی برای کمک به ارگان‌های حاکمیتی در بهبود وضعیت منابع آبی، در کنار اهتمام و جدیت مدیران مربوطه وجود دارد که می‌تواند الگویی برای توسعه تعاملات د سویه در مناطق دیگر قرار گیرد.

کارهایی که می‌توان کرد

در شرایط بحرانی، نمی‌توان تا مساعد شدن شرایط مختلف، منتظر ماند. فرهیختگان، مسئولیتی خطیر دارند. بسط آگاهی در زمینه این معضلات بویژه با بهره‌گیری از زبان هنر، ایجاد و توسعه شبکه‌هایی نظیر شبکه‌هایی که معلمان و دانش‌آموزان استان‌های مختلف کشور در طرح نجات آب (داناب) برای بحث و تولید اثر راجع به نجات و عبور از بحران آب تولید کردند، توجه ویژه به بخش کشاورزی به عنوان بزرگترین مصرف کننده آب (بالغ بر ۹۰٪)، همچنین ایجاد تشکلهای مردمی نخبگان برای گفتگو و تبادل نظر و یافتن راه حل‌ها و مساعدت دست اندرکاران عرصه آب (چه از بعد حمایتی و چه از بعد انتقادی) می‌تواند راهکارهای کلیدی در این زمینه باشد. ما امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند آگاهان دلسوز و امیدوار و امیدبخشی هستیم که با گفتگو، بهره‌گیری از تجارب موفق و پیشرو، بسط و توسعه حساسیت و فرهنگ آب و ایجاد آمادگی در مردم برای مشارکت در مدیریت بحران آب و در نهایت مطالبه مصرانه و مکرر از دست اندرکاران عرصه آب، ناجی آب و ناجی سرزمینمان باشند، چراشمایکی از آنان نباشید؟

این ضرورت را در مواد قانونی مورد تاکید قرار داده‌ایم که در مصرف آب به نقطه‌ای برسیم که دیگر برای هزینه‌های مصرف آب دیگر یارانه را در نظر نگیریم